

شعوبیه؛ کاتالیزور تحول از زرتشتی‌گری به اسلام

نگاهی به رویکرد ایران‌شناسان پیرامون شعوبیه



محمد صالح معزنی‌نیا

کارشناسی ارشد تاریخ اسلام

دوره نخست خلافت عباسی دوره‌ای اساسی در مراحل اسلام‌پذیری ایرانیان به شمار می‌رود؛ دوره‌ای که ایرانیان از نخستین روزهای به قدرت رسیدن عباسیان، در صحنه سیاست حضور یافتند و سپس در قالب جنبش‌های سیاسی مذهبی و بعدها در بستر دودمان‌های بومی، موفق شدند اسلام را با مقتضیات غیرعربی خود بپذیرند. جریان موسوم به شعوبیه یکی از مراحل اساسی اسلام‌پذیری ایرانیان در دوره عباسی است که در آن تمایز عنصر «عرب» از اسلام و حتی زبان عربی تحقق می‌یابد.^۱

چه بسیار شاعران و ادیبان شعوبی که در عین تفاخر به فرهنگ کهن ایرانی و ابراز تحقیر درباره فرهنگ و تاریخ عرب، با استفاده از زبان عربی بر مسلمانی خود تأکید کرده‌اند. جریان شعوبیه یکی از مظاهر «تداوم» ایرانیان در هویت پیشین خود و جذب عناصر فرهنگی گزینش‌شده بیگانه، از جمله دین و زبان است؛ به گونه‌ای که در عین پذیرش اسلام و به کارگیری زبان عربی، «معادله عرب یعنی اسلام را درهم شکستند».^۲

جریان شعوبیه مانند هر حادثه دیگری در بستر تاریخ، ظرفیت‌های متعددی برای بررسی و تحلیل دارد اما آنچه در این نوشتار موضوع بحث قرار خواهد گرفت، دو مقوله «ماهیت و خاستگاه» این جریان و «گستره تأثیرات» آن است؛ زیرا به زعم نگارنده، این دو مقوله بیش از همه، در

